

ترجمه و تحقیق: دکتر علی کربلایی پازوکی\*

### چکیده

این مقاله ۱، ترجمه نوشتار اندیشمند معاصر امریکایی، کنث ریچارد سامپلس ۲ در باب نقد پلورالیسم دینی است. وی در زمینه مطالعات دینی صاحب نظر و دارای کتاب‌ها و مقالات فراوانی است. ۳ نویسنده در این مقاله، پس از بررسی اجمالی پلورالیسم دینی، به نقد دیدگاه جان هیک - هموطن خود - در این مورد پرداخته و پارادوکس‌های معرفت‌شناختی آن را آشکار کرده و در پایان مقاله درصدد دفاع عقلانی از انحصارگرایی مسیحی برآمده است. در این نوشتار، پس از ترجمه و پیش از پرداختن به نقد دیدگاه کنث آر. سامپلس در مورد انحصارگرایی مسیحی، به شرح نکات مفید در تنویر مسئله مورد بحث پرداخته شده و در پایان به اختصار دیدگاه اسلام در مورد کثرت‌گرایی حقانیت و صدق ادیان و نجات پیروان آنها بیان شده است.

واژگان کلیدی: انحصارگرایی مسیحی، کثرت‌گرایی دینی، صدق و نجات.

xxx

### مقدمه

انحصارگرایی (Exclusivism)، شمول‌گرایی (Inclusivism) و پلورالیسم (Pluralism) سه نگرش متفاوت درباره تنوع و تکثر ادیان به شمار می‌رود (Rowe, 184-173 p). هر چند قدمت بحث تکثر و حقانیت ادیان ریشه در قدمت تاریخ ادیان دارد و در طی تاریخ -

× استاد یار دانشگاه علامه طباطبائی

### آینه معرفت

بخشی از تبادلات فکری و فرهنگی بین ادیان و پیروان آنها را تشکیل داده است، اما قدمت پلورالیسم دینی به مثابه یک نگرش کلامی در باب تعدد ادیان و مذاهب خاستگاه آن به نیمه اول قرن بیستم در جهان مسیحیت برمی‌گردد؛ زمانی که جان هاروود هیک مسیحی (۱۹۲۲م) با نگاشتن کتاب فلسفه دین آن را طرح و ترویج کرد.

اعتقاد به پلورالیسم اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی در اروپا، و طرح آن بستر و زمینه مناسبی را برای اعتقاد به پلورالیسم دینی فراهم آورد، زیرا وجه مشترک انواع پلورالیسم همانا نسبی‌انگاری معرفت‌شناسانه، پذیرش کثرت‌اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و مقبولیت عمومی و نسبی همه آنهاست. تحولات اندیشه دینی در مغرب زمین، رشد خداشناسی طبیعی، ظهور الهیات اعتدالی و هرمنوتیک مدرن توسط شلایر ماخر، تأکید بر تجربه دینی و گسترش آموزه‌های دموکراسی لیبرال سبب رشد اندیشه تساهل و تسامح دینی در دنیای مسیحیت گردید و سرانجام به صدور بیانیه شورای دوم کلیسای کاتولیک (۱۹۶۵ - ۱۹۶۳ م) انجامید. در آن بیانیه برای اولین بار اعتراف شد که پیروان سایر ادیان نیز می‌توانند با رعایت شرایطی اهل نجات، رهایی و رستگاری باشند. از آن زمان به بعد، اندیشه پلورالیسم دینی بسترهای رشد را در دنیای غرب باز یافت. این نظریه از همان ابتدای پیدایش مورد اعتراض بسیاری از مسیحیان قرار گرفت. شایان ذکر است که در ترجمه مقاله

"Responding to Religious Pluralism" به این مورد پرداخته‌ایم. این نوشتار از دو بخش ترجمه (شماره ۱) و تألیف ناظر بر مطالب ترجمه (شماره ۲-۴) تشکیل شده است. در بخش تألیف، پس از توصیف مختصر واژه‌ها، به نقد و تحلیل انحصارگرایی مسیحی می‌پردازیم و در ادامه دیدگاه اسلام در مورد کثرت‌گرایی دینی صدق و نجات بررسی می‌شود.

#### ۱. متن پاسخ کنث آر. سامپلس به کثرت‌گرایی دینی

دفاعیات دینی، به شاخه‌ای از الهیات مسیحی می‌پردازد که در صدد فراهم آوردن توجیه عقلی برای دعوی حقیقت از سوی مسیحیت است. قریب به دوهزار سال متکلمان

#### پاسخ به کثرت‌گرایی دینی و انحصارگرایی مسیحی

مسیحی قاطعانه از این اعتقاد دفاع کرده‌اند. این دفاع نه تنها شامل فراهم ساختن مدارک و شواهدی در جهت اثبات این اعتقاد است، بلکه پاسخ به پرسش‌ها، مواجهه با اعتراضات و نقد دیگر نظام‌های فکری (غیرمسیحی) را نیز شامل می‌شود. حال این پرسش مطرح است که با نزدیک شدن کلیسای مسیحیت به هزاره سوم چه چالش‌های مهمی را در دفاع از مسیحیت پیش رو دارد؟ کثرت‌گرایی دینی در میان گرایش‌های رایج جهان‌گرایی (Globalism)، فرهنگ‌گرایی چندگانه (Multiculturalism) و نسبی‌گرایی (Relativism) (هم در حقایق و هم در اخلاقیات) مهیب جلوه می‌کند. بر اساس دیدگاه کثرت‌گرایی دینی، تمام ادیان و به یقین ادیان اصلی، راه‌های معتبر همسانی را برای رسیدن به خداوند و یا واقعیت نهایی عرضه می‌دارند.

#### کثرت‌گرایی متداول

در ابتدای قرن بیست و یکم شاهد حضور متنوعی از مذاهب، فرهنگ‌ها و نژادها در آمریکا هستیم. شهروندان درجه اول و دوم، از سراسر جهان به آمریکا می‌آیند. این کشور به عنوان یک ملت دموکراتیک اهمیت زیادی را برای مدارا و تساهل، خصوصاً در بیان عقاید گوناگون مذهبی قائل است. ما به عنوان شهروندان آمریکایی، با توسل به قانون اساسی از نظر آزادی اعمال مذهبی بیمه شده‌ایم. متأسفانه گروهی از مردم، نظریه تساهل و برخورد یکسان را در مواجهه با عقاید مختلف مذهبی به معنای تساوی ادیان تعبیر کرده‌اند و به اشتباه آنها را راه‌هایی معتبر برای رسیدن به خداوند می‌دانند؛ در نتیجه [دامنه] دموکراسی به حقیقت نهایی نیز سرایت کرده است (Sproull, p. 35). چنین برداشتی بازتاب تفکر نکردن [درست] است، [زیرا] کثرت‌گرایی اجتماعی، با کثرت‌گرایی متافیزیکی به یک معنا نیست.

در این ایده متداول که تمام ادیان بر حق هستند، دو مطلب عمده نادیده گرفته می‌شود؛ اولاً، هر چند که ادیان اصلی در بسیاری از ارزش‌ها و عقاید مشترک می‌باشند، تفاوت‌های اساسی و آشتی‌ناپذیری به صراحت آنها را به شاخه‌های بسیار مهمی تقسیم می‌کند؛ مثلاً در مواردی نظیر ماهیت خداوند یا حقیقت نهایی اختلاف دارند. برخی از ادیان بر تک‌خدایی اعتقاد دارند (خدای واحد)؛ بعضی دیگر به چندخدایی (چندین خدا)؛ برخی به همه‌خدایی (همه خدا هستند) و برخی حتی هیچ‌خدایی را نمی‌پذیرند (هیچ‌خدایی نیست). در یهودیت و اسلام، خداوند مشخص و واحد است؛

در مسیحیت خداوند مشخص و بیشتر از یک می‌باشد (تثلیث)؛ در حالی که در آیین هندو و بودا، خداوند از شخص کمتری برخوردار است. در بعضی از سنت‌های مذهبی دنیا، خداوند به مثابه وجود کاملاً منزّه و متعالی است؛ در بعضی دیگر، خداوند یک موجود همیشه حال در عالم است و در برخی خداوند هردو وصف را داراست. واضح و مبرهن است که ادیان جهان صرف نظر از دیگر آموزه‌هایشان، درباره چستی و کیستی خداوند اختلاف نظر دارند. همان‌طور که هارولد ای. نیتلند می‌گوید:

بررسی‌های دقیق درباره اعتقادات اصلی و سنت‌های مختلف دینی نشان می‌دهد که صرف نظر از آموزش مسائل مشابه، ادیان اصلی و مهم، افق فکری متفاوتی درباره غایت دینی، وضع بحرانی بشر و ماهیت رستگاری دارند (Netland, p. 37).

منطق ساده‌ای می‌گوید که تمام این «حقایق» مختلف دینی نمی‌توانند در یک زمان و با یک روش مشابه صادق باشند. مثلاً ذکر اینکه حضرت عیسی مسیح، تجسد خداوند است (اعتقاد مسیحیان)، و تجسد خدا نیست (اعتقاد مسلمانان و یهودیان) نقض اصل عدم تناقض است. مسیح یا باید تجسد خداوند باشد یا نباشد. هیچ حالت میانه‌ای وجود ندارد. با توجه به اینکه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به طور متفاوتی

عیسای ناصری را شناخته‌اند، این اعتقادات به سادگی نمی‌تواند به لحاظ منطقی کاملاً درست باشد. بنابراین ادعای کثرت‌گرایی نتوانسته با قوانین فکری که بدیهی و آشکار است، سازگاری داشته باشد. فیلسوف مسیحی، رونالد اچ. ناش، چنین بیان می‌کند:

هر شخصی که به کثرت‌گرایی روی می‌آورد بایستی در ابتدا، بسیاری از اصول منطق را که تمام اندیشه‌ها و اعمال و ارتباط‌های مهم را ممکن می‌سازد، رها کند (Nash, 5, p.55)

### کثرت‌گرایی فلسفی

برخی از فیلسوفان دین استدلال می‌کنند که چنانچه تناقض‌های میان ادیان بیشتر جنبه ظاهری داشته باشند تا واقعی، کثرت‌گرایی دینی قابل دفاع است. ممکن است که ادیان یک حقیقت الهی یکسان را از راه‌های گوناگون تجربه کنند. با این همه آیا رویارویی با خدایی غیر قابل درک و اسرارآمیز در متن ادیان مختلف جای ندارد؟ جان هیک، متفکر پلورالیست، برای توضیح این نکته با استفاده از تمثیل آشنای فیل، نشان می‌دهد که یک شخص نابینا که برای اولین بار با یک فیل مواجه می‌شود، ممکن است آن را با یک ستون محکم و نابینای دیگری آن را با یک مار عظیم‌الجثه و نابینای سوم آن را با خیش مقایسه کند که ناشی از تماس محدود آنها با پا، خرطوم و دندان فیل است (Peterson, 224 p.).

جان هیک می‌گوید: انسان احتمالاً نمی‌تواند خدای نامحدود را به نحو اکمل بشناسد بنابراین، از آنجا که ما فاقد دیدی نهایی هستیم لذا ممکن است واقعیتهای یکسان را به دلیل گرایش‌های تاریخی، فرهنگی و فلسفی متفاوتمان، به اشکال گوناگون تجربه کنیم.

هیچ کس منکر وجود تمایلات [بشری] و دانش محدود او نیست، اما این حقایق به هیچ وجه ضعف استدلال فوق را پوشش نمی‌دهد. اولاً، تمثیل فیل متضمن نوعی شکاکیت افراطی در مورد شناخت خداوند است. به ویژه این تمثیل بیان می‌کند که هیچ کس و هیچ مذهبی خداوند را به طور کامل نمی‌شناسد. چنانچه خداوند عمدتاً درک ناپذیر است، چگونه می‌توان پی برد که او درک ناپذیر است؟ (Nash, 36 p.). حتی چگونه می‌توان پی برد که او اصلاً وجود دارد؟ ثانیاً، با وجود آنکه این تمثیل می‌کوشد به حقیقت تمامی مذاهب، اعتبار و ارزش بخشد، بیشتر در زمینه ارائه این مطلب موفق بوده است که تمام مذاهب آن چنان که باید در شناخت و درک خداوند موفق نبوده‌اند. در این صورت، تمثیل مبین آن است که [نه تنها] تمامی ادیان درست نیستند، بلکه تمام ادیان عمدتاً نادرست هستند.

از دیدگاه مسیحیت تاریخی و سنتی، تمثیل فوق شدیداً مورد خدشه است. بر اساس مسیحیت، خداوند به شخصی در کالبد تاریخی عیسی مسیح در جهان زامنند و مکانمند وارد شده است (انجیل یوحنا ۱: ۱، ۱۴-۱۸). همین مسیح دعاوی منحصر به فردی را در مورد حاکمیت الهی بیان می‌کند که با دیدگاه‌های متشابه کثرت‌گرایان مذهبی سازگاری ندارد (برای مثال رک. یوحنا ۸: ۵۸، ۱۰: ۳۰). در حقیقت مسیحیت برای همراهی با کثرت‌گرایی بایستی عملاً از تمامی اصول و عقاید شاخص خود نظیر تجسد، تثلیث و فدیة دست بردارد. همان‌طور که استاد الهیات دانشگاه آکسفورد، آلیستر ای. مک‌گراث نوشته است:

هویت مسیحیت به شکل گسست ناپذیری با [شخصیت بی‌نظیر] مسیح گره خورده است که آن هم به نوبه خود ریشه در رستاخیز و تجسد دارد (Mc Grath, 119 p.).

اگر تمثیل فوق به شکلی تغییر کند که در چارچوب مسیحیت قرار بگیرد، فیل را به گونه‌ای که شفابخش نابینایی بشریت است، ترسیم و خودش را نیز معرفی می‌کند. تجسم خداوند در مسیح آشکار شده است (ibid, 118 p.).

کوشش دیگری برای نجات کثرت‌گرایی، از نوشته‌های جوزف کمبل (Campbell) (Joseph) نشأت می‌گیرد. کمبل معتقد است که همه مذاهب می‌توانند هم‌زمان درست باشند، زیرا مدعیات تمام ادیان صرفاً اسطوره‌ای و شاعرانه است، نه واقعی و تاریخی؛ اما مجدداً این تصور و اندیشه در برابر مسیحیت سنتی و تاریخی واقع می‌شود.

مدعیات مسیحیت ماهیتاً واقعی و تاریخی هستند، بدون در نظر گرفتن اینکه کسی تمایل به قبول آنها داشته باشد یا نداشته باشد. عیسی ناصری تحت سلطه امپراتوری روم به دنیا آمد که امپراتور آن زمان روم، سزار آگوستس بود که او نیز توسط یک مقام دیگر دولت روم (به نام پونتوس پیلات) از بین رفت.

بر اساس اظهار حواریون مسیح، رستاخیز او پس از مرگ، یک واقعه حقیقی و تاریخی بود. همان‌طور که پطرس حواری می‌گوید:

زمانی که درباره قدرت سرورمان مسیح و بازگشت او با شما سخن گفتیم، به دنبال داستان‌هایی که به طرز ماهرانه‌ای ابداع شده‌اند نبودیم، بلکه ما به چشم خود شاهد کبریاپی و جلالت او بودیم. (رساله دوم پطرس، ۱: ۱۶).

دیدگاه مسیحیت در خصوص ادیان

آیا پایبندی به صحت بی‌نظیر مسیحیت تلویحاً این مفهوم را بیان می‌کند که همه عناصر ادیان غیر مسیحی نادرست است؟ مک گراث یک قاعده مفید مسیحی را به عنوان مرجعی برای اظهارنظر در مورد دیگر ادیان فراهم کرده است. طرز برخورد مسیحیت با ادیان دیگر بر آموزه‌های خلقت و فدیۀ متکی است. از آنجا که خداوند آفریننده جهان است، ما انتظار داریم که اثر و نشانی از او را در میان تمام مخلوقاتش بیابیم و از آنجا که خداوند جهان را از رهگذر مسیح نجات داد، انتظار داریم که به مسیح به عنوان عامل رستگاری که انجیل نوید می‌دهد نگاه کنیم (p. 116, Mc Grath). در حالی که ادیان دیگر ممکن است حقیقت وجود خداوند را از طریق وحی عام (طبیعت یا وجدان) دریابند - رستگاری فقط از طریق الهام خاصی که در عیسی مسیح به وجود آمد، به دست می‌آید.

وحی عام کمک می‌کند تا توجیهی منطقی برای این مطلب بیابیم که چرا بسیاری از ادیان می‌توانند (و در واقع توانسته‌اند) اعتقادات و ارزش‌های خاص مشترکی داشته باشند.

در شرایط فرهنگی که تعصب و نبردباری پذیرفتنی نیست، ما چگونه می‌توانیم از سر لطف و صادقانه به افرادی که از انحصارگرا بودن مسیحیت آزرده‌اند، پاسخ دهیم؟ (p. 39, Samples) من چهار پیشنهاد دارم:

۱) ما می‌توانیم بر این مطلب تأکید کنیم که انجیل تمامی مردم را از همه جای دنیا دعوت می‌کند تا از هدیه رستگاری که با قربانی شدن عیسی فراهم شده، بهره‌مند شوند.

۲) توجه کنیم جهانی که در آن تمام ادیان همزمان درست هستند، از نظر یک فیلسوف، «دیوانه‌خانه جهانی» نامیده می‌شود.

۳) انحصارگرایی به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌آید. فیلسوف مسیحی، الوین پلانتینجا، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا یک فرد کثرت‌گرا به شکل انحصارگرایانه‌ای اعتقاد نخواهد داشت که تمامی ادیان به طور یکسان راه‌های مناسبی برای نیل به خداوند هستند.

۴) انحصارگرایی مسیحی برخاسته از ذهنیت محدود آحاد مسیحیان نیست، بلکه از مدعیات انحصارگرایانه عیسی مسیح می‌باشد که توسط کسانی که خود شاهد زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی بوده‌اند، تأیید شده‌اند (یوحنا ۳: ۳۶، اعمال رسولان ۴: ۱۲؛ اول تیموتیوس ۲: ۵).

۲. بررسی و نقد انحصارگرایی مسیحی کنت آر. سامپلس

ما در این نوشتار همگام با کنت آر. سامپلس بر این باوریم که پلورالیسم دینی جان هیگ دستخوش نابهنجاری‌های معرفت‌شناختی است که در ادامه برخی از آنها را ذکر می‌کنیم، ولی دفاع «سامپلس» از انحصارگرایی مسیحی را نیز بر نمی‌تابیم. در ادامه این مقاله پس از توصیف مختصر برخی از واژه‌ها، به تحلیل و نقد انحصارگرایی مسیحی مورد ادعای سامپلس می‌پردازیم و در پایان دیدگاه اسلام در مورد کثرت‌گرایی دینی صدق و نجات بررسی می‌شود.

## ۱.۲. انحصارگرایی دینی (Religious Exclisivism)

انحصارگرایان معتقدند که «رستگاری» رهایی، کمال یا رسیدن به حقیقت نهایی که هدف‌نهایی دین تلقی می‌شود، منحصرأ در یک دین خاص وجود دارد. ادیان دیگر نیز حامل حقایقی هستند، اما منحصرأ یک دین حق مطلق وجود دارد. بنابراین افراد سایر ادیان اگر در دین خود از نظر اخلاقی درستکار باشند به حقایقی دست می‌یازند، اما تمام حقیقت در یک دین وجود دارد. - بر پایه چنین اعتقادی است که پیروان ادیان به تبلیغ دین خود می‌پردازند - شایان ذکر است که «ادیان عموماً دعوی صدق انحصاری دارند مثلاً مسیحیان برای اثبات انحصارگرایی دینی، به آیه ۶ فصل ۱۴ انجیل یوحنا و آیه ۲۷ فصل ۱۱ انجیل متی استدلال می‌کنند که بیان می‌دارد:

من راه حقیقت و حیات هستم، کسی به پدر آسمانی نمی‌رسد مگر به وسیله من.

یهودیان به هویت انحصاری قومی خود به عنوان امت برگزیده خداوند دل خوش داشته‌اند. هندوها به کتب وداها (Vedas) به عنوان

سندی جاودانه و یگانه راه نجات احترام می‌گذارند و بودایی‌ها تعالیم گوتاما بودا را تنها طریقی می‌دانند که انسان‌ها را از توهم و بدبختی

نجات می‌دهد» (الیاده، ص: ۳۰۲).

مهم‌ترین برهانی که له انحصارگرایی اقامه شده است، برهانی کلامی است. به اعتقاد بسیاری از انحصارگرایان، رستگاری صرفاً در گرو لطف و عنایت الهی است. تلاش شخصی ما در جهت رستگار شدن و نجات یافتن محکوم به شکست است. لذا لازمه رستگاری آن است که پی‌بریم نیروی رستگار بخش الهی در کجا متجلی شده است. هنگامی که دریافتیم خداوند عنایات منحصر به فرد خویش را واقعاً در کجا [در کدام دین] متجلی کرده، حماقت آمیز است که برای رستگاری به جای دیگر روی آوریم (پترسون و دیگران، ص: ۴۰۲).

## ۲.۲. شمول گرایی دینی (Religious Inclusivism)

شمول گرایی به منزله دومین نگرش، پذیرای ادیان متعدد، متنوع و تجربه‌های دینی متفاوت است. شمول گرایان نیز مانند انحصارگرایان بر این باورند که صرفاً با پیروی از یک دین خاص به رستگاری و نجات واقعی می‌توان رسید و دین حق مطلق یکی بیشتر نیست، اما اگر بپذیریم که ادیان متفاوتی وجود دارد و اگر بپذیریم که تجربه‌های [دینی] تحول آفرین گوناگونی وجود دارد و خداوند لطف و عنایت خود را به انحای گوناگون در ادیان مختلف تجلی داده است؛ هر متدینی می‌تواند رستگار شود، حتی اگر از اصول اعتقادی آن دین حق چیزی نشنیده و بی‌خبر باشد. البته به شرطی که در طریق رستگاری بخشی که آن دین حق پیش می‌نهد، سالکان صادقی باشند [و یا از آموزه‌هایی پیروی کنند که هم جهت و هم سو با آموزه‌های آن دین حق باشد]. به این ترتیب شمول گرایی از انحصارگرایی فراتر می‌رود، زیرا به رغم پذیرش این ادعای انحصارگرایانه که یک دین خاص، حق مطلق است، می‌پذیرد که پیروان سایر ادیان نیز می‌توانند رستگار شوند. از جمله طرفداران این نظریه می‌توان کارل رانر (۱۹۸۴ - ۱۹۰۴) متأله کاتولیک را نام برد (پترسون و دیگران، ص ۴۱۴-۴۱۵).

به قول کارل رانر (Karl Rahner) از دیدگاه مسیحیان، پیروان سایر ادیان که صادقانه خداوند را عبادت نمایند و انسان‌های با اخلاقی نیز باشند می‌توان آنان را مسیحیان گمنام (Anonymous christians) نامید (الیاده، ص ۳۰۳). به بیان دیگر آنان در واقع پیروان دین حق هستند هر چند خود از این امر مطلع نیستند. البته همین ادعا را یک مسلمان در مورد دین اسلام و یک یهودی در مورد دین یهود می‌تواند داشته باشد.

## ۳.۲. پلورالیسم دینی (Religious Pluralism)

رویکرد کثرت گرایی دینی سومین تفسیر تنوع ادیان است که به تساوی ادیان و مذاهب در بهره‌مندی از حقیقت، سعادت و هدایت فتوی داده و معتقد است که حقیقت، کمال، رستگاری (salvation) و نجات و رهایی (Liberation) منحصر به دین خاصی نیست، بلکه همه ادیان بهره‌هایی از حقیقت دارند و تمام حقیقت و حق مطلق در یک دین خاص جمع نشده است. بنابراین پیروی از برنامه هر یک از ادیان می‌تواند مایه نجات و رستگاری انسان شود (Rowe, p. 179). مبنای چنین اندیشه‌ای بر اساس اعتقاد به وحدت گوهر ادیان، ذویطون بودن حقیقت و نسبی بودن فهم بشری از حقیقت نهایی است.

در واقع پلورالیسم یا کثرت گرایی دینی تفسیری از تعدد و تنوع ادیان نسبت به رستگاری اخروی و حق یا باطل بودن آنهاست. در این نگرش اگر چه حقیقت در نفس الامر و واقع واحد و ثابت است، اما آنگاه که حقیقت واحد در دسترس فکر و اندیشه و تجربه دینی بشر قرار می‌گیرد به تکرر رنگین می‌شود و از آن جهت که همه آنها به نحوی به حقیقت دسترسی پیدا می‌کنند، در نجات و رستگاری شریک‌اند. الیاده در این مورد چنین آورده است:

اصطلاح تعدد ادیان (کثرت گرایی دینی) به طور ساده عبارت از این واقعیت است که تاریخ ادیان مبین تعدد سنن و کثرتی از متفرعات هر یک از آنهاست... این اصطلاح به معنای این نظریه است که ادیان بزرگ جهان تشکیل دهنده برداشت‌های متفاوت از یک حقیقت غایی و مرموز الهی‌اند. (الیاده، ص ۳۰۱).

جان هیک در این مورد می‌گوید:

ادیان مختلف جریان‌های متفاوت تجربه دینی هستند که هر یک در مقطع متفاوتی از تاریخ بشر آغاز گردید و خودآگاهی

عقلی خود را در درون یک فضای فرهنگی باز یافت (هیک، ص ۲۳۸).

از این دیدگاه شریعت در مقابل دین است، یعنی می‌توان دین دار بود، اما شریعت مدار نبود. برخی معتقدند که تفاوت پروتستان‌ها با کاتولیک‌ها نیز در این است که گروه اول به تجربه دینی عنایت بیشتری دارند، ولی گروه دوم بر قانون بودن دین تکیه می‌کنند. از مجموع این

مطالب چنین نتیجه می‌گیریم که نباید شریعت را در معارضه با ایمان تصور کرد، بلکه باید سعی کرد شریعت را از حالت رسوبی و منجمد شده و به صورت یک سیستم حقوقی و اجتماعی و آداب و رسوم درآمده، بیرون آورد و به آن تجلی عملی تجربه دینی و ایمانی را داد. در این صورت، شریعت عبارت خواهد بود از معیارهای رفتار آدمی که از تجربه دینی حاصل می‌شود و همه جوانب زندگی انسان را پوشش می‌دهد (شبستری، ص ۱۸).

## ۴.۲. تفسیر دیگری از پلورالیسم دینی

تفسیر دیگری از پلورالیسم ممکن است و آن ناظر بر بُعد اجتماعی دین است. بدین معنی که پیروان ادیان گوناگون می‌توانند با حفظ باورهای دینی و گرایش‌ات متفاوت در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی در یک جامعه داشته باشند و به حدود حقوق یکدیگر حرمت بگذارند. البته عده‌ای تفسیر اخیر را خارج از پلورالیسم مصطلح دانسته و از آن به همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان در کنار هم، تولرانس (Tolerance) و تسامح تعبیر کرده‌اند.

۸ شبستری در این مورد گفته است:

مسئله این نیست که چه راه حلی پیدا کنیم تا ادیان و پیروان مختلفی که وجود دارد به گونه‌ای با هم کنار بیایند و دارای زندگی مشترک و مسالمت‌آمیز باشند، (برای این کار) اصل دیگری وجود دارد که می‌شود از آن استفاده کرد و آن تسامح و تولرانس است که غیر از پلورالیسم است. در تسامح، انسان آزادگی و حدود دیگران را محترم می‌شمارد، اگر چه معتقد باشد که همه حقیقت نزد اوست. (شبستری، ص ۱۱-۱۲)

همین وجهه توصیه‌ای «تسامح دینی» است که باعث شده برخی متفکران آن را کثرت‌گرایی دینی (normative eligious pluralism) یا کثرت‌گرایی دینی اخلاقی (moral religious pluralism) بنامند (لگنهاوزن، ص ۳۲).

## ۳. انحصارگرایی مسیحی

انحصارگرایی دینی در مسیحیت از اهمیت و برجستگی خاصی برخوردار است. عیسویان تنها راه نجات و رهایی بشر را فدیه حضرت مسیح (ع) که هدیه خداوند به بشر است می‌دانند. از همان اوان قرن سوم میلادی این عقیده جزئی مطرح شده است که «در بیرون از کلیسا، رستگاری نیست» این انحصارانگاری همچنان تأیید و تقویت شد و یا این نگرش که فقط مسیحیان می‌توانند رستگار شوند، سلسله جنبان نهضت‌های تبلیغی - تشریحی در قرن‌های هجدهم و نوزدهم شد (الیاده، ص ۳۰۲).

فرقه‌های مختلف مسیحی تنها راه نجات و رستگاری را در مسیحیت می‌دانند با این تفاوت که پروتستان‌ها معتقدند که انسان با ایمان خود شخصاً باید به ندای عیسی (ع) پاسخ دهد و ایمان به تنهایی برای نجات کافی است (میشل، ص ۱۰۸)، ولی کاتولیک‌ها بر آیین و شعائر کلیسا (sacrament) تأکید دارند و ایمان را به تنهایی کافی نمی‌دانند. طبق تعالیم کاتولیک‌ها، بازخرید غایت درست انسان است، یعنی دیدار مبارک خدا در بهشت (لقاءالله). بازخرید یعنی رهایی انسان از قید و بند بردگی گناه، یعنی آشتی او با خدا که با رنج کشیدن و مرگ حضرت مسیح (ع) به عنوان تجسد خدا تحقق می‌یابد و انسان‌ها در این بازخریدن با رعایت آیین کلیسا سهیم می‌شوند (لگنهاوزن، ص ۳۹).

مسیحیان بر این سخنان که در انجیل یوحنا به مسیح نسبت داده شده است، تأکید می‌ورزند:

هیچکس به پدر آسمانی راه نمی‌یابد مگر از طریق من (انجیل یوحنا، باب ۱۴، آیه ۶)

## ۱.۳. تحلیل و نقد انحصارگرایی نجات‌بخش مسیحی مورد ادعای کنث آر. سامپلس

کثرت‌گرایی دینی، از منظر بسیاری از اندیشمندان مسیحی غیر قابل قبول و مردود است، با توجه به این نکته رودلف اتو (۱۹۳۷ - ۱۸۶۹) از بزرگان سنت پروتستانس لیبرال که در دهه ۱۹۲۰ م. به منظور حمایت از معنویت و اخلاق از راه تشریک مساعی افراد مؤمن در ادیان مختلف، سازمان بین‌الادیانی را بنیان نهاد، مورد شماتت دانشمندان مسیحی قرار گرفت، زیرا آنان مدافع برتری مسیحیت بر سایر ادیان هستند (لگنهاوزن، ص ۱۹-۲۱). همچنین ادعای انحصارگرایانه مسیحیت که از جانب کنث آر. سامپلس در مقاله اخیر تقویت شد با مشکلاتی همراه است، که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم.

۱) کدام دلیل منطقی و عقلی این نظریه را تأیید می‌کند که نجات بشریت را، تنها باید از راه فدیه ۹ حضرت عیسی مسیح جستجو کرد. - آن‌گونه که سامپلس در مقاله‌اش ادعا کرده است - او می‌گوید: «برخورد مسیحیت با پیروان ادیان دیگر بر آموزه‌های خلقت و فدیه متکی است.» براساس نظریه فدا، نجات بشر تنها از راه رنج کشیدن عیسی مسیح بر صلیب تحقق می‌یابد. آیا این نظریه درست است که عیسی مسیح (ع) به عنوان یک نایب و جایگزین، متحمل مجازاتی گردد که عذاب به حق گناهکاران است؟ (کفار نیاپی) ۱۰ آیا این دیدگاه با عدالت خداوند منافاتی ندارد؟ توماس میشل متأله معاصر مسیحی در این مورد می‌گوید:

... این نظریه به مفهوم شایستگی و عدالت خدا آسیب می‌زند، چون فرض را بر آن می‌گذارد که خدا خون مسیحی را می‌طلبد که از هر جهت بی‌گناه بود، تا با روش نابهنجاری که مبتنی بر شکنجه و مرگ سرخ است، گناه دیگران را جبران کند. هیچ انسانی نمی‌تواند این روش ظالمانه و وحشیانه را بپذیرد، پس چگونه می‌توانیم آن را به خدا نسبت دهیم؟! (میشل، ص ۸۲).

قرآن نیز این نظریه غیرعقلانی را بر نمی‌تابد و در جاهای مختلف تأکید می‌کند:

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلَتِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ (فاطر/۱۸).

هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و اگر شخص سنگین باری [دیگری را به یاری] به سوی بارش فراخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت هر چند از نزدیکان او باشد.

افزون بر این، نظریه گناه ذاتی و سرایت گناه از حضرت آدم در نسل بشر (رومیان: ۱۹:۵) به گونه‌ای که لازم باشد کسی تاوان این آلودگی و اهانت به خداوند را بپردازد و فدا شود، برخلاف آموزه‌های اسلامی است. از منظر اسلام تکلیف تا به افراد ابلاغ نشود و آنان خلاف آن عمل نکنند هیچ مؤاخذه‌ای از جانب خداوند نیست و این مسئله تحت عنوان قانون و اصل عقلانی «قیح عقاب بلا بیان» نزد فقهای اسلام شهرت دارد. براساس عقیده اسلامی انسان‌ها دارای فطرت پاک و الهی هستند، مگر اینکه با گناه آن را آلوده کنند. قرآن می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم/۳۰).

پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییر پذیر نیست.

فدا که نوعی معامله و مصالحه خداوند با بندگان است، در حق خدا امری معقول نیست، زیرا خدای بی‌نیاز و رحمان و رحیم چه نیازی دارد که این‌گونه گناه انسان‌ها را بیامرزد، آن‌هم با مجازات شخص دیگری! امری که در هیچ محکمه دنیایی قابل قبول عقلا نیست. به نظر می‌رسد راه حلی که اسلام برای نجات پیشنهاد می‌کند یعنی: ایمان به خدا و تمامی انبیاء الهی، عمل صالح و توبه از گناهان و جبران آثار سوء گناه، به عقل و واقعیت نزدیک‌تر است. ۱۱

۲) بسیاری از افراد نمی‌توانند بپذیرند که تلاش پیروان سایر ادیان برای رستگاری محکوم به شکست است، صرفاً به دلیل اینکه ایشان تعالیم یک دین خاص را نشنیده‌اند، و برای رستگاری راهی را که آن دین توصیه کرده است نپیموده‌اند. مردان و زنان صالحی که با اعمال موازین اخلاقی زندگی می‌کنند و به خداوند و اولیای او ایمان و دل بستگی دارند، نشان می‌دهند که دین آنها به وعده خود یعنی متحول کردن زندگی انسان‌ها عمل کرده است. آیا می‌توان تلاش چنین کسانی را محکوم به شکست دانست، صرفاً بر این اساس که آنها فلان واسطه الهی را نمی‌پذیرند (پترسون، ص ۴۰۵). در حالی که کنث آر. سامپلس مدعی است که پایبندی به صحت بی‌نظیر مسیحیت تلویحاً این مفهوم را بیان می‌کند که همه عناصر ادیان غیر مسیحی نادرست است، در نتیجه نمی‌تواند سبب نجات شود. این ادعای «کنث» یک سؤال را بی‌جواب می‌گذارد: تکلیف کسانی که در جستجوی حقیقت برآمده‌اند اما از سر قصور (نه تقصیر) به آن دست نیافته‌اند چیست؟ آیا خدای مهربان نباید راهی برای نجات ره‌پویان صادق باقی بگذارد. میان حق جوی صادقی که پس از جستجو در حد وسع خویش به حقیقت راه نیافته با کسی که از سر تقصیر به سوی حقیقت نرفته و دین حق را نشناخته چه تفاوتی است؟ ادعای «کنث» بین این دو گروه تفاوتی نمی‌گذارد. روح عدالت طلب انسانی نمی‌تواند چنین دیدگاهی را بپذیرد و خشنود و سرمست از نجات خویش به خلود انسان‌های دیگر در عذاب الهی فتوا دهد.

۳) نظریه انحصارگرایانه نجات بخش مورد ادعای کنث آر. سامپلس با نوعی تناقض همراه است، زیرا از یک سو مسیحیت تعلیم می‌دهد که خداوند خالق و مالک همه موجودات و خواهان خیر مطلق و رستگاری نوع انسان است و از سوی دیگر می‌گوید که تنها از طریق پاسخ گفتن مؤمنانه به خداوند به وساطت مسیح می‌توانیم نجات یابیم، زیرا «عیسی ماهیتی الهی دارد، فرزند خداوند، هم ذات با پدر و تنها شفاعت کننده میان خداوند و انسان است.» جان هیک می‌گوید: این سخن به این معناست که عشق نامحدود خداوند مقدر نموده که افراد بشر تنها به صورتی

می‌توانند نجات یابند که در واقع اکثریت عظیمی از آنها را مستثنی سازد، زیرا بخش اعظم همه انسان‌ها یا پیش از مسیح می‌زیسته‌اند یا خارج از قلمرو و مرزهای مسیحیت قرار دارند (هیک، ص ۲۸۳). این ادعا نه تنها دستخوش نوعی تناقض درونی است، بلکه سبب «تخصیص اکثر» نیز می‌شود که عقلاً قبیح است.

۴) کنث آر. سامپلس مانند کارل بارت (1868 - 1986) (Karl Barth) متأله پروتستان، «شریعت» و «تجلی» را در مقابل یکدیگر قرار داده است، به نظر کارل بارت، «شریعت» تلاش متمرده و تکبر آمیز است و با «تجلی» و انکشاف خداوند در تضاد می‌باشد. شریعت سعی محال و گناه آلود ماست، برای آنکه خداوند را از منظر خویش بشناسیم و بر فراق خویش از او فایق آییم. [از خود محوری به خدا محوری گراییم]... در حالی که رستگاری، منحصرأ در گرو تجلی راستین خداوند است. تنها یک تجلی وجود دارد، تجلی میثاقی، ما بدون عیسی مسیح و مستقل از او مطلقاً نمی‌توانیم درباره خداوند، انسان و رابطه آنها با یکدیگر چیزی بگوییم (هوردرن، ص ۱۱۵-۱۱۰). کنث نیز معتقد است که رستگاری فقط از طریق الهام خاصی که [تجلی خداوند] در عیسی مسیح به وجود آمده، به دست می‌آید.

در نقد تقریر مذکور می‌توان گفت که شریعت الزاماً مقابل تجلی خداوند بر بشر قرار ندارد، بلکه شریعت عقل و وحی، راهنمای عمل مؤمنان به منظور بهتر راه یافتن خداوند در وجود آنان است. به عبارت دیگر تجلی خداوند و شریعت عقل و وحی در عرض یکدیگر نیستند تا میان آنها تعارض و ناسازگاری به وجود آید. بر این اساس هیچ دلیلی بر انحصار تجلی خداوند در مسیح (علیه السلام) وجود ندارد، بلکه همه پیامبران الهی مظاهر تجلی خداوند و حاملان وحی و پیام الهی به بشر بوده و برای برانگیختن خرد انسان و تجدید میثاق فطری او با خداوند و نشان دادن راه سعادت، رستگاری و نجات معبوث گردیده‌اند. به راستی چه دلیلی داریم که خداوند نامتناهی تنها یک تجلی دارد و آن تجلی منحصر به فرد خدا در عیسی مسیح (علیه السلام) است تا همین امر سبب گردد مسیحیت محمل دین حق باشد و تنها مسیح (علیه السلام) زمینه آشتی با خداوند را فراهم آورد؟! چرا خداوند نامتناهی به گونه‌های متفاوت و متناسب با درون مایه‌های فرهنگی در فرهنگ‌های مختلف در افراد پاک و مخلص - که در طی تاریخ کم نیز نبوده‌اند - تجلی نکند تا بدین وسیله راه رستگاری را به همه انسان‌ها بنمایاند؟ افزون بر این چه دلیلی وجود دارد که تلاش انسانی برای نجات بالمره محکوم به شکست است و [با کدام دلیل] تکیه بر فیض خداوندی و تجلی او را در تقابل با نقش خلاقانه و صادقانه انسان‌ها به شمار آوریم (کالین، ص ۲۶۱-۲۶۵)؟

۵) اعلامیه شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵ - ۱۹۶۳) «نجات را شامل کسانی نیز که از سر اخلاص در طلب خداوند هستند - ولی نسبت به مسیح و کلیسای او جاهلند - می‌داند» و این مطلب که با ادعای انحصار گرایانه مسیحی کنث آر. سامپلس همخوانی ندارد، مبین حرکتی واقعی در پاسخگویی به یک مشکل واقعی است، معهداً این نوعی مدار بسته است و نمی‌تواند به قلب مطلب نشانه رود. جان هیک در این مورد می‌گوید: این مدار بسته برای شامل کردن یکتاپرستانی (که از روی اخلاص در طلب خداوندند) ولی با بشارت مسیحی تماس نداشته‌اند، طراحی گردیده است. اما در مورد بودائیان، هندوهای ناموحد و... چه باید گفت (هیک، ص ۲۸۴)؟

به نظر می‌رسد با ساختن مفهومی عام و پر ابهام از نجات نمی‌توان مسئله نجات را در مسیحیت توضیح معقول و منطقی داد. از اشکالات انحصارگرایی مورد ادعای کنث آر. سامپلس که بگذریم، ادیان بسیاری دعوی صدق انحصاری دارند. از میان این مدعیان، کدام یک را و براساس کدام ملاک باید پذیرفت؟ اینجاست که به ملاکی برون دینی حاجت می‌افتد که برخوردار از مقبولیت بین الاذهانی باشد، نه مدعیات صدق و کذب بردار محک نخورده و احکام اخلاقی هر دین که «کنث» نسبت به آموزه‌های مسیحیت در نوشتار خود ادعا کرده است.

#### ۴.۰ اسلام و کثرت گرایی صدق و نجات

ما در این قسمت در نقد کثرت گرایی جان هیک با کنث آر. سامپلس همراهیم، اما در کیفیت و رهاورد آن با هم اختلاف داریم. او در نوشتارش بین کثرت گرایی حقیقت شناختی ۱۲ و صدق با کثرت گرایی نجات تفکیک مشخصی قائل نشده و نتیجه نقد کثرت گرایی او نیز اثبات انحصار گرایی مسیحی است؛ اما ما در ادامه نوشتار ضمن تفکیک بین کثرت گرایی صدق و نجات و بیان دیدگاه اسلام در مورد آن‌ها نتیجه‌ای غیر از نتیجه «کنث» گرفته‌ایم که بیان خواهد شد.

#### الف: اسلام و کثرت گرایی حقیقت شناختی



۱) هر چند کثرت گرایي دیني دیدگاهی جذاب و با سعه صدر سازگار است، اما این جذابیت نباید سبب خلط بین ملاحظات اخلاقي و ملاحظات معرفت شناختي گردد، زیرا این خلط به شکاکیت و نسبی انگاری معرفت شناسانه در حوزه مسائل دین می انجامد و این امر هزینه سنگینی را به دین و متدینان تحمیل می کند، زیرا براساس پذیرش پلورالیسم دیني:

۱-۱) آموزه های ادیان ارزش ذاتی نداشته و نباید مورد تأکید دینداران قرار گیرد. همان گونه که تثلیث مسیحی (خداوند در خارج درسه شخصیت تجلی یافته) صحیح است، توحید مسلمان (در خارج یک خدا بیشتر وجود ندارد) نیز باید صحیح باشد.

۱-۲) آموزه های دیني مانند آموزه های علمی صدق و کذب بردار نیستند، فقط ارزش تحول آفرینی دارند، حتی اگر در واقع هم کاذب باشند. در حالی که شما هیچ متدینی را نمی یابید که بر این باور باشد که آموزه های دیني اش ارزش واقعی ندارد و از طرف دیگر تمام آموزه های ادیان هر چند کاملاً مخالف هم باشند، نمی تواند درست، ایجاد تحول آفرینی مثبت در زندگی انسان ها نماید.

۱-۳) اصولاً اعتقاد به چنین دیدگاهی منجر به نسبیست در دین و حقیقت و معرفت

می شود و از آنجا که برخی از این حقایق نقیضین هستند این دیدگاه گرفتار اجتماع نقیضین خواهد شد. در این مورد کنث آر. سامپلس در مقاله «پاسخ به کثرت گرایي دیني» می گوید:

توجه کنیم جهانی که آموزه های تمام ادیان به طور همزمان در آن درست باشد، از نظر یک فیلسوف «دیوانه خانه ای جهانی» نامید می شود. ۲) طرفداران پلورالیسم دیني، مثال مولوی را در مورد فیل شناسی کوران (فیل در تاریکخانه) بیان می کنند که این، توصیف تمام حقیقت نیست، اما باطل نیز نمی باشد.

جان هیک می گوید:

البته همه آنها درست می گفتند، اما هر کدام صرفاً به یک جنبه از کل واقعیت اشاره می کردند و مقصود خود را در قالب تمثیل هایی بسیار ناقص بیان می داشتند (هیک، ص ۲۴۳-۲۴۵).

اما به نظر می رسد نتیجه ای که مولوی از داستان فیل در تاریکخانه گرفته است مخالف پلورالیسم دیني است. مولانا می گوید که، اگر در خداشناسی، از راه و ابزار درست استفاده شود، اختلاف از میان رفته و همگان حقیقت واحد را آن گونه که درک آن برای بشر میسر است، فهم خواهند کرد. حال اگر بگوییم بشر در تاریکخانه حواس جای دارد و او را از چنین تنگنای معرفتی گزیر و گریزی نیست، پاسخ این است که به همین جهت باید به هادیان الهی رجوع کرد و از چراغ «خرد» و نور افکن «وحي» هر دو بهره جست تا در دام «تشبیه» و «تعطیل» نیفتاد و از جمله فلسفه نبوت ها نیز همین [تنگناهای معرفتی حواس] بوده است (ربانی گلپایگانی، ص ۸۳).

مولوی می گوید:

در کف هر یک اگر شمعی بدی

اختلاف از گفتشان بیرون شدی

چشم حس همچون کف دست و بس

نیست کف را بر همه ی او دسترس

چشم دریا دیگر است و کف دگر

کف بهل وز دیده ی دریا نگر

(مثنوی مولوی، دفتر سوم ۳۹۴-۳۹۶)

### ۳) حقیقت دین در نزد خداوند اسلام یعنی خضوع و تسلیم در برابر خداوند.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران / ۱۹). بنابراین ادیان گرچه کماً و کیفاً با هم تفاوت هایی دارند، ولی در حقیقت و به واقع همه با بیان های مختلف به یک چیز می خوانند و آن تسلیم در برابر خداوند است. بنابراین از جهت اصل و گوهر، بین ادیان پلورالیسم صادق است، اما با توجه به اینکه بسیاری از تعالیم ادیان سابق نسخ شده است هر چند بپذیریم ادیان در اصل و گوهر با هم مشترکند باز هم از نظر شریعت با هم

تفاوت‌هایی دارند (جوادی آملی، ص ۱۱۸-۱۲۰) و از این جهت (نسخ شرایع سابق و تفاوت در احکام شریعت) نمی‌توان پلورالیسم مصطلح بین ادیان را پذیرفت.

استاد شهید مرتضی مطهری با استناد به این آیه شریفه: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران/۸۵) آورده است:

دین اسلام همان تسلیم است، ولی حقیقت تسلیم در هر زمان شکلی دارد و در این زمان شکل آن همان دین گرانبه‌ای است که به دست حضرت خاتم‌الانبیاء ظهور یافته است، لازمه تسلیم خدا بودن پذیرفتن دستورهای اوست و روشن است که همواره به آخرین دستور خدا باید عمل کرد و آخرین دستور همان چیزی (دینی) است که آخرین رسول او آورده است (مطهری، ص ۲۵۳).

## ب: اسلام و کثرت‌گرایی نجات‌بخشی

اسلام در مورد نجات و رستگاری انسان دیدگاه مشخصی را ارائه می‌کند در حالی که کثرت‌گرایی دینی مصطلح مفهومی بسیار عام و پر ابهام است، زیرا علاوه بر اینکه غیر متدینان را شامل می‌شود، معیار مشخصی را برای نجات و رستگاری متدینان بیان نمی‌کند. در این مورد گفته شده:

بعضی از کثرت‌گرایان شدیداً مایلند که مارکسیسم الحادی و اومانسیسم طبیعت‌گرایانه را در اردوی ادیان وارد کنند و آنها را در منزلتی مشابه ادیان توحیدی قرار دهند (پترسون و دیگران، ص ۴۱۲).

بر این اساس نجات صرفاً تحولی انسانی محسوب می‌شود و وقوع آن زمانی است که انسان از زندگی خود محورانه به زندگی‌ای معطوف شود که در آن حقیقت نهایی محور است، صرف نظر از اینکه این حقیقت نهایی را خدا، برهما (Brahman)، نیروانا (nirvana) و یا تائو (Tao) بنامند (لگنهاوزن، ص ۴۱). این نحوه نگرش به ادیان این نظریه را با نوعی ناهنجاری نجات‌بخشی همراه ساخته است. از منظر اسلام تفاوت‌هایی بین موحدان و غیرموحدان، جهل از قصور و تفصیر در مسئله نجات وجود دارد که به اختصار به آنها می‌پردازیم. الف) افرادی که به خدا و آخرت و انبیای الهی ایمان دارند و اعمالی بانگیزه تقرب به خدا [عمل صالح] انجام می‌دهند و در کار خود خلوص نیت دارند، عمل آنها مقبول درگاه الهی است و استحقاق پاداش می‌یابند، اعم از آنکه مسلمان باشند یا غیر مسلمان (مطهری، ص ۳۱۷). ب) افراد با ایمان و دارای عمل صالح که بعضی از لوازم ایمان را نپذیرفته‌اند، اگر از مستضعفین فکری باشند، می‌توانند مشمول آیه ۹۹ سوره نساء شوند و اهل نجات باشند.

...إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (نساء/۹۹).

قرآن در مورد این دسته در آیات ۹۷، ۹۸ و ۹۹ سوره نساء می‌فرماید:

کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، وقتی فرشتگان جانشان را می‌گیرند می‌گویند: «در چه حالی بودید؟» پاسخ می‌دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم» فرشتگان می‌گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است و بد سرانجامی است. مگر آن مردان و زنان و کودکان مستضعفی که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند. پس آنان [فی‌الجمله عذری دارند] باشد که خدا از ایشان درگذرد که خدا همواره خطا بخش و آمرزنده است.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر «المیزان» در ذیل این آیات با عنوان «کلام فی المستضعف» می‌فرماید:

این آیه بیان می‌کند که جهل به معارف دین، زمانی که از «قصور و ضعفی» باشد که راهی برای رفع آن نباشد، این شخص نزد خداوند معذور است. توضیح اینکه: خداوند جهل به امر دین و هر ممنوعیت از اقامه شعائر دین را ظلم شمرده است و عفو الهی شامل آنان نمی‌شود، اما مستضعفین که قدرت بر انتقال و تغییر محیط ندارند استثناء شده‌اند و استثناء [در آیه شریفه] به صورتی ذکر شده که تنها اختصاص به عدم امکان تغییر محیط ندارد. ممکن است از این جهت باشد که ذهن انسان متوجه حقیقت نشده باشد و به این سبب از حقیقت محروم مانده باشد. بنابراین عاملی که او را به استضعاف کشانده غفلت [غیر عمد] است و معلوم است که با وجود غفلت دیگر قدرت معنادار و با وجود جهل دیگر راه هدایت تصور نمی‌شود (طباطبایی، ص ۵۱).

ج) افراد داراي عمل صالح که به خدا و آخرت ايمان ندارند ولي عناد و لجاجتي نسبت به خدا و دين در آنان نيست. اين گروه مي توانند مشمول آيه ۱۰۶ سوره توبه شوند که مي فرمايد:

«وَآخِرُونَ مُرْجُونَ لِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ، وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.»

گروه ديگر کارشان احاله مي شود به امر خدا، يا آنها را معذب مي کند و يا بر آنها مي بخشايد؛ خداوند دانا و حکيم است.

حمران بن اعين مي گويد از امام صادق (ع) درباره مستضعفين [فکري] پرسش کردم، فرمود:

آنان نه در زمره مؤمنانند و نه در زمره کافران، آنها «مرجون لامرالله هستند» (عياشي، ص ۱۱۰).

استاد شهيد مطهري در اين مورد گفته اند:

اگر در رواياتي که از ائمه اطهار (عليهم السلام) رسیده است که بيشترين آنها در «كتاب الحجّه» و «كتاب الايمان و الکفر» کافي گرد آمده، دقت شود مي يابيد که ائمه (عليهم السلام) تأکیدشان بر اين مطلب بوده که هر چه بر سر انسان مي آيد از آن است که حق بر او عرضه بشود و او در مقابل حق تعصب و عناد ورزد و يا لاقبل در شرايطي باشد که مي بايست جستجو کند و نکند، اما افراي که ذاتاً و يا به واسطه قصور فهم و ادراک و يا به علل ديگر (شرايط مکان، زمان، تبليغات سوء، رفتار ناشايست پيروان دين حق) در شرايطي بسر مي برند که مصداق منکر و يا مقصر در تحقّق و جستجو به شمار نمي روند، آنها در ردیف منکران و مخالفان نيستند، آنها از «مستضعفين» و «مرجون لامرالله» به شمار مي روند (مطهري، ص ۲۹۹-۲۹۷).

د) افراي که به خدا و آخرت [از سر عناد و لجاجت] ايمان ندارند، طبعاً هيچ عملي را به منظور بالا رفتن به سوي خدا انجام نمي دهند، و چون به اين منظور انجام نمي دهند قهراً سير و سلوکی از آنها به سوي خدا و عالم آخرت صورت نمي گيرد؛ پس طبعاً آنها به سوي خدا و ملکوت خدا بالا نمي روند و به بهشت نمي رسند؛ يعني به مقصدي که به سوي آن نرفته اند، به حکم آنکه نرفته اند، نمي رسند (مطهري، ص ۳۱۷).

## خلاصه

هر چند گفتگوي بين الاديان با سعه صدر و گفتار نیکو براساس علم و آگاهي و منطق که به انسجام بين اديان، به منظور مقابله با شرک و کفر و به همزباني مسالمت آميز مي انجامد از کارهاي بسيار ممدوح و پسندیده است که مورد تأکید اسلام نيز مي باشد، ۱۳ اما پلوراليسم ديني به معنای اصطلاحي و رايج آن، براساس تفسير جان هبک، حتي در زادگاه او مورد نقد انديشمندان مسيحي قرار گرفت و بسياري از آنان نظريه جان هبک را در مورد کثرت گرایی اديان نپذيرفتند. آنچه در ترجمه اين مقاله ملاحظه شد، اشاره به همين امر دارد. انحصار گرایی مسيحي نيز که در مقاله کنث آر. سامپلس به عنوان یک دیدگاه برتر در باب نجات پيروان اديان مورد حمايت و تقويت قرار گرفت، با نوعي تناقض همراه است و با ادله عقلي و منطقي در تعارض است. افزون بر اين، نظريه به شايستگي و عدالت خداوند آسيب مي رساند. همچنان که تکليف کساني را که در جستجوي حقيقت برآمده اند، اما از سر قصور (نه تقصير) به آن دست يافته اند را روشن نمي کند. افزون بر اين سبب «تخصیص اکثر» نيز مي شود، زیرا انسان هاي زيادي که مسيحي نيستند، از دايره نجات خارج مي شوند. دیدگاه نجات بخش جان هبک نيز متضمن نوعي شکاکيت افراطي در مسئله نجات بخشي است که منشأ آن نيز خلط بين ملاحظات اخلاقي و ملاحظات معرفت شناختي است. افزون بر اين، کثرت گرایی نجات بخش جان هبک داراي مفهومي بسيار عام و پراهم است. با عنایت به این نکته که مسئله صدق اديان و نجات پيروان آن بر اساس دو دیدگاه فوق با نوعي تفریط و افراط همراه است، حقانيت اديان و نجات پيروان آنها را از منظر اسلام مي توان به اجمال اين گونه بيان کرد.

الف: اديان الهي مجموعه اي از قوانين و دستورالعمل هايي هستند که خداوند در طی تاريخ براي تکامل بشر فرستاده است، بنابراین لزوماً اديان بعدي بايد کامل تر از اديان قبلي باشند، والا ضرورتی در آمدن پيامبران تشريعي بعدي نبود. دين حق نيز در هر زماني يکي بيشتر نيست. در اين زمان دين اسلام که آخرين دين و طبيعتاً کامل ترين دين است، بايد مورد پيروي قرار گيرد و کساني که به دستورات آن عمل نکنند از برنامه هاي یک دين کامل محروم خواهند ماند، پس حقانيت و صدق کامل تر براي آخرين دين است.

ب: شکل گيري هندسه نجات نيز در اسلام بر پایه هايي استوار است که مهم ترين آنها عبارتند از:

۱) ايمان به خدا، آخرت و انبياي الهي؛ عمل صالح (حسن فعلي و فاعلي)؛ توبه از گناه و جبران آثار سوء آن، بنابراین کساني که به خدا و

آخرت ايمان دارند و داراي عمل صالح نيز مي باشند، اهل نجات و رستگاري هستند، چه مسلمان، چه از پيروان اديان ديگر باشند.

- ۲) کسانی که نسبت به خدا و دین حق دارای جهل قصوری اند، یعنی مستضعفین فکری، اینان (مرجون لامرالله) منتظران امر الهی هستند. خداوند هرگونه که خود مصلحت بداند با آنان رفتار می کند. ممکن است به دلیل عدم تقصیر اهل نجات باشند.
- ۳) کسانی که نسبت به خدا و دین حق دارای جهل تقصیری هستند، یعنی از سر عناد و لجاجت، با اینکه حقیقت را دریافته به انکار آن پرداخته اند. اینان برای خداوند کاری را انجام نداده اند تا انتظار نجات از او داشته باشند.
- ۴) با توجه به ذومراتب بودن مسئله نجات و با تفسیر فوق از آن، این نظریه نه تنها می تواند پیروان تمام ادیان را شامل شود، بلکه از افراط در مسئله نجات بخشی جان هیكلی نیز نجات می یابد.

توضیحات

WWW.augustinefellowship.org/augustinefellowship/resource/00000005.shtml//:1.Responding to Religious Pluralism,http Kenneth Richard Samples.۲

۳. برای آشنایی بیشتر با شخصیت و آثار کث آر. سامپلس به سایت <http://cache.zoominfo.com/cachedpage/> مراجعه کنید.

This is reflected in the unique Christian doctrine of the Trinity, according to the one true God exists eternally and simultaneously as three distinguishable, which and Holy Spirit, Son, Father: persons.

این مطلب در اعتقاد منحصر به فرد مسیحیت نسبت به تثلیث منعکس شده، طبق این اعتقاد یک خداوند حقیقی ابدی وجود دارد و همزمان به عنوان سه شخص متمایز می باشد. پدر، پسر، روح القدس.

۵. برای کسب اطلاع بیشتر به این منبع مراجعه نمایید:

Grand Rapids, Zondervan Publishing, The Word of God and the Mind of Man, Ronald H. Nash pp.103-112, 1982, House.

۶. برای آگاهی بیشتر به این منبع مراجعه کنید:

Thinking about Faith, Downers Grove, Philosophy of Religion, Stephen Evans. C, Inter Varsity Press, IL, ۱۹۸۵.

The principle that different groups can live together with peace in one society. 7, Oxford Dictionary, ۱۹۹۵.

۸. گوستاولوبون در مورد تسامح اسلامی آورده است: همان قرآنی که دستور جهاد داده است، نسبت به ادیان دیگر سهل انگاری و مسامحه کرده است. هنگامی که مسلمانان (زمان خلیفه دوم) بیت المقدس را فتح کردند، هیچ گونه آزاری به مسیحیان نرساندند، ولی بر عکس هنگامی که نصارا این شهر را گرفتند با کمال بی رحمی مسلمانان را قتل عام کردند و یهودیان نیز وقتی به آنجا آمدند، بی باکانه همه را سوزاندند. (گوستاولوبون، ص ۱۴۷).

۹. مسئله فدا در عقیده مسیحیت از جایگاه مهمی برخوردار است و مسیحیان نجات را در آموزه «فدا» یعنی: نجات بشر از راه رنج عیسی مسیح علیه السلام بر صلیب جستجو می کنند (میشل، ص ۸۱-۹۱).

۱۰. این کفار به دین معنا نیابتی است که مسیح به عنوان یک نایب متحمل مجازاتی گردید که سزای به حق گناهکاران است.

۱۱. برای مطالعه بیشتر به حاجی ابراهیم، رضا، نجات، ادیان و فاهمه بشری، قم، انجمن معارف اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۷۲-۱۶۰ مراجعه نمایید.

۱۲. کثرت گرایی دینی حقیقت شناختی به معنای این اعتقاد است که حقیقت دینی در ادیان غیر مسیحی کمتر از حقیقت دینی در مسیحیت نیست. البته یک کثرت گرایی دینی همچون جان هیك، این مورد را نه تنها درباره مسیحیت بلکه درباره همه ادیان بزرگ صادق می داند. هیك مدعی است، به رغم ناسازگاری ظاهری در میان تعالیم مهم سنت های بزرگ، در مورد حق، نجات، بایدها و نبایدها همه این اقوال می توانند نسبت به جهان بینی هایی که خاستگاه آن اقوال هستند، صحیح باشند. این نکته یکی از محل های بحثی است که هیك توجه بیشتری به آن دارد (لنگهوازن، ص ۳۶). هیك بر این باور است که حق و حقایق بین همه ادیان مشترک است و دین حق مطلق خاص وجود ندارد. بلکه تمام ادیان بهره های لازم از حقیقت نهایی را دارند تا بتوانند سبب نجات رستگاری تحول آفرینی پیروان خود باشند.

۱۳. أدع الي سبيل ربك بالحكمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتي هي أحسن(نحل / ۱۲۵) - فبشر عبادالذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه اولئك الذين هديهم الله و اولئك هم اولوا الالباب(زمر/۱۸).

منابع و مأخذ

- قرآن كريم، ترجمه محمد مهدي فولادوند، تهران، دارالقرآن كريم، ۱۳۷۴.
- كتاب مقدس (عهد عتيق و عهد جديد)، ترجمه فاضل خان همداني، ويليام گلن و هنري مرتن، تهران، اساطير، ۱۳۸۰.
- الياده، ميرچا، دين پژوهي، ترجمه بهاءالدين خرمشاهي، ج ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي، ۱۳۷۵.
- پترسون، مايكل و ديگران، عقل و اعتقادات ديني، تهران، بنیان‌های فرهنگ امروز(طرح نو)، ۱۳۷۷.
- جواد آملی، عبدالله، شريعت در آينه معرفت، قم، اسراء، ۱۳۷۷.
- رباني گلپايگاني، علي، تحليل و نقد پلوراليسم، قم، مؤسسه فرهنگي دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
- شبيستري، محمد، «پلوراليسم ديني»، كيان، شماره ۲۸، سال پنجم، تهران، ۱۳۷۴.
- طباطبائي، سيدمحمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، ج ۵، قم، نشر اسلامي، بي تا.
- عياشي، محمدبن مسعود، تفسير العياشي، تحقيق رسولي محلاتي، ج ۲، تهران، مكتبة الاسلاميه، بي تا.
- كالين، براون، فلسفه و ايمان مسيحي، ترجمه طاطه ووس ميكائيليان، تهران، شركت انتشارات علمي و فرهنگي، ۱۳۷۵.
- گوستاولوبون، تاريخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه سيدهاشم حسيني، ج ۲، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۵۴.
- لگنهاوزن، محمد، اسلام و كثرات گرايي ديني، ترجمه نرجس جوان دل، قم، مؤسسه فرهنگي طه، ۱۳۸۴.
- مطهري، مرتضي، عدل الهي، تهران، صدرا، ۱۳۸۴.
- مولوي، جلالالدين محمد بلخي، كليات مثنوي معنوي، دفتر سوم، تهران، بگناه، ۱۳۶۲.
- ميشل، توماس، كلام مسيحي، ترجمه حسين توفيق، قم، مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب، ۱۳۷۷.
- هوردرن، ويليام، راهنماي الهيات پروتستان، ترجمه طاطه ووس ميكائيليان، تهران، شركت انتشارات علمي و فرهنگي، ۱۳۶۸.
- هيك، جان، فلسفه دين، ترجمه بهرام راد، تهران، انتشارات بين المللي الهدي، ۱۳۷۲.

Grand ,OtherModernMyths & Intellectuals Don't Neet God ,.Alister E ,Mc Grath  
Zondervan Publishing House ,Rapids, ۱۹۹۳.

Grand Rapids,ZondervanPublishing ,?Is Jesus the Only Saviour ,.Ronald H ,Nash  
House, ۱۹۹۴.

EerdmansPublishingCo ,Grand Rapids ,Dissonant Voices ,.Harold A ,Netland., ۱۹۹۱.  
Oxford Dictionary, ۱۹۹۵.

New york,OxfordUniversity ,Religious Belief & Reason ,.et al ,Michael ,Peterson  
Press, ۱۹۹۱.

The Challenge of Religious Pluralism,ChristianResearch ,.Kenneth R ,Samples  
Journal, ۱۹۹۰.

ZondervanPublishingHouse,1982 ,Grand Rapids ,Reason to Believe .R.C ,Sproul.  
www.augustinefellowship.org/augustinefellowship/resource/00000005.shtml//:http.

California ,Wadsworth PublishingCompany,Belmont ,Philosophy of Religion ,.Rowe,W.L,  
۱۹۹۳.